

## عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به مصرف مواد مخدر: یک مطالعه کیفی

فهیمه قره‌چاهی<sup>۱</sup>، عباس رحمتی<sup>۲</sup>، پریسا حاج‌کرمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به مصرف مواد مخدر انجام شد. **روش:** روش پژوهش حاضر کیفی مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی بود. جامعه آماری شامل جوانان مصرف کننده مواد شهرستان نی ریز بود که از این میان ۱۵ نفر برآساس نمونه گیری هدفمند و با استفاده از تکنیک اشباع داده‌ها انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با روش مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت. **یافته‌ها:** از مجموع داده‌ها، <sup>۴</sup> مفهوم اولیه، <sup>۹</sup> مقوله عمدۀ تحت عنوان تعاملات نامناسب والد-فرزنده، عدم نظارت کافی، تعارضات زناشویی والدین و ادراکات سوق‌دهنده به سمت مواد و نهایتاً یک مقوله هسته‌ای الگوی ناکارآمد خانوادگی استخراج گردید. **نتیجه‌گیری:** برآسان یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت روابط والد-فرزنده و نظارت والدینی کی از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده نگرش مثبت جوانان به مواد مخدر است. براین اساس، خانواده را می‌توان مهم‌ترین عامل در پیشگیری و ایجاد گرایش فرزندان به سمت مواد مخدر دانست.

**کلیدواژه‌ها:** نگرش نسبت به مواد مخدر، رابطه والد-فرزنده، نظارت والدین

۱. کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

۲. استاد، گروه مشاوره، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

۳. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. پست الکترونیک:

phajkarami@ut.ac.ir

## مقدمه

امروزه یکی از مهم‌ترین مشکلات جوامع، مسئله مواد مخدر و اعتیاد به آن است. سازمان بهداشت جهانی<sup>۱</sup> مسائل مرتبط با مواد مخدر (اعم از تولید، حمل و نقل، توزیع و مصرف) را در کنار سه مسئله مهم دیگر، یعنی ابناشست سلاح‌های کشتار جمعی، فقر و نابرابری طبقاتی و آلودگی‌های محیط‌زیستی، از مسائل اساسی جهانی برمی‌شمارد که زندگی بشر را در عرصه جهانی و در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در معرض خطر قرار داده است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۵). اعتیاد یکی از نابهنجاری‌های روانی-اجتماعی است (اثامنه، استین، کوئیزنبیری، پوپ و بیکل، ۲۰۱۷) که از اختلال مصرف برخی مواد از جمله تریاک، حشیش و الکل نشأت می‌گیرد و موجب وابستگی فیزیولوژیک و روانی فرد به مواد مذکور می‌شود. این وابستگی آثار ناخوشایندی بر عملکردهای جسمی، روانی و اجتماعی فرد مبتلا می‌گذارد؛ تا بدان جا که در موارد حاد، ممکن است زندگی فردی و اجتماعی وی را به طور جدی مورد تهدید قرار دهد (نوئل، بروورز و بچارا، ۲۰۱۳). دیویسون و نیل<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) وابستگی به مواد را فرایندی تدریجی معرفی می‌کنند که در ابتدا با نگرش مثبت نسبت به مواد شروع می‌شود.

نگرش، به مجموعه‌ای از شناخت‌ها، باورها و عقاید اشاره دارد که در برگیرنده ارزشیابی‌های مثبت و منطقی احساسات بوده و همگی به یک موضوع مرکزی مربوط می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۶). نگرش‌ها تبیین کننده تداوم رفتار فرد در مواجهه با مسائل و شرایط مختلف هستند (میشمی، فرامرزی و هلاکوبی‌نایینی، ۱۳۸۵). نگرش مثبت به مصرف مواد، پیش‌نیاز اختلال مصرف مواد تلقی می‌شود؛ به بیان دیگر، هنجارهای ذهنی و نگرش‌های مثبت نسبت به مواد موجب شکل‌گیری نیات و مقاصد نسبت به مواد و سپس ارتکاب عمل مصرف آن می‌گرددند (کوتر، ۲۰۰۲). درواقع، افرادی که به پیامدهای منفی مواد آگاهند، در قیاس با افرادی که چنین آگاهی ندارند، با احتمال کمتری به مصرف مواد روی می‌آورند.

۱۳۰

130

۱. Vol. 17, No. 70, Winter 2024  
۲. Davison & Neal  
۳. Kuther

1. World Health Organization
2. Athamneh, Stein, Quisenberry, Pope & Bickel

3. Noël, Brevers & Bechara
4. Davison & Neal
5. Kuther

از جمله مفاهیم مهم روانی-اجتماعی تأثیرگذار در شکل‌گیری نگرش مثبت به مصرف مواد مخدر، نهادها و شبکه روابط متقابل فرد است. نتایج تحلیل فتحی و موسوی‌فر (۱۳۹۵) سه عامل مهم از جمله انتظارات از جامعه، انتظارات از خانواده و علل اجتماعی را به عنوان مضمون‌های اصلی اعتیاد معرفی کرده‌اند. براساس پژوهش‌ها، خانواده مهم‌ترین عامل در ایجاد و یا پیشگیری گرایش فرزندان به مصرف مواد مخدر، شناسایی شده است (فولادی، ۱۳۹۵؛ پیکو و کوواس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). در واقع، به دلیل اهمیتی که خانواده در پیشگیری از اعتیاد دارد، در غالب پژوهش‌ها به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است (دی‌پترو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷).

در میان عوامل مختلف مرتبط با خانواده، نظارت والدین به عنوان یکی از عوامل‌های تعیین‌کننده در بروز رفتارهای ضداجتماعی و ناسالم نوجوانان و جوانان بوده و از متغیرهای اصلی گرایش آنها به سمت رفتارهای پر خطر شناخته می‌شود (پاسکال، رینگ والت و فولینگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ موستانسکی، اسوان، نیوکمب و پراچاند<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷؛ کیو-کلارک، ولی، لونتال و کروگر<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). نظارت والدین به طور مختصر میزان نظارت و رسیدگی والدین بر فعالیت‌های فرزندانشان است (دیکلمت<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۱). نظارت والدین به این معناست که والدین به چه اندازه اطلاع دارند که فرزندشان زمان‌هایی که با آنها نیست، کجا و چگونه اوقاتش را سپری می‌کند (رامر و ریز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷؛ لارم، لیوینگستون، اسونسون، لیفمن، و رانین<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸). میزان و چگونگی نظارت والدین، عامل محافظتی مهمی در مقابل مشکلات رفتاری فرزندان به شمار می‌آید (پردل، ۱۳۹۴). نظارت صحیح والدین بر فرزندان‌شان با کاهش احتمال بروز رفتارهای پر خطری همچون مصرف الکل، سیگار و درگیری‌های فیزیکی (فالو<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ ادیکایو، سباند، آدنیران و آدسکان<sup>۱۰</sup>،

۱۲۱

۱۳۱

سال  
نهضه، شماره ۷۰، زمستان ۱۴۰۲  
Vol. 17, No. 70, Winter 2024

- |  |   |
|--|---|
| 1. Piko & Kovács                               | 6. DiClemente                                       |
| 2. Di Pietro                                   | 7. Romero & Ruiz                                    |
| 3. Paschall, Ringwalt & Flewelling             | 8. Larm, Livingston, Svensson,<br>Leifman & Raninen |
| 4. Mustanski, Swann, Newcomb &<br>Prachand     | 9. Fallu  |
| 5. Keogh-Clark, Whaley, Leventhal<br>& Krueger | 10. Odukoya, Sobande, Adeniran &<br>Adesokan        |

۲۰۱۸)، روابط جنسی پرخطر (ریسی، گرهارد و کیستنر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳) و مشکلات تحصیلی و ترک تحصیل (خادمی احمدآباد و شریفی، ۱۳۹۸؛ اوئشی، کاواباتا، کوروکاوا و یوشیدا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲) همراه است. پژوهش ملوندا<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۲) نیز بیانگر احتمال درگیری کمتر جوانان با اختلال مصرف مواد در خانواده‌های با سطح نظارت مناسب است.

رابطه والد- فرزندی یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده مرتبط با خانواده است که بر بسیاری از مسائل ناشی از خانواده تأثیر دارد. به همین ترتیب، رابطه والد- فرزندی مناسب می‌تواند به عنوان عامل محافظت‌کننده‌ای در برابر رفتارهای آسیب‌زا فرزندان عمل کند (لاک، فارهات، جانوتی و سیمونز- مورتون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰؛ صدری دمیرچی، رئیس قره درویشلو و رحیمی زرج آباد، ۱۳۹۷). روابط مناسب والد- فرزندی موجب درگیری بیشتر و جدی تر والدین در مسائل مرتبط با فرزندان شان شده و به آنها فرصت بیشتری برای نظارت و کنترل شان بر رفتار فرزندان می‌دهد. همچنین روابط مناسب والد- فرزندی باعث می‌شود که نوجوانان تمايل بیشتر به همانندسازی با والدین خود و پیروی از الگوی رفتاری آنها و بدین ترتیب، تمايل کمتر به مصرف مواد داشته باشند.

شناسایی همه مؤلفه‌ها و عوامل گرایش به مصرف مواد مخدر کاری دشوار است؛ اما پرداختن به تعدادی از متغیرها و عوامل دخیل در این رفتارها، خصوصاً عوامل زمینه‌ساز خانوادگی، ضریب پیش‌بینی اختلال مصرف مواد را بالا برده و مسئولان را در جهت پیشگیری اولیه و تدوین برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی خانواده‌های در معرض خطر یاری می‌دهد. یکی از اقدامات مرتبط با پیشگیری و مقابله با اختلال مصرف مواد مخدر در بین گروه‌های نوجوان و جوان، تغییر و اصلاح نگرش ایشان نسبت به مصرف این مواد است. بهبود رابطه والد- فرزندی و نظارت صحیح والدین، نگرش فرزندان را نسبت به کاهش مصرف مواد تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چراکه والدین از کودکی تا اوایل جوانی، نفوذ زیادی بر فرزندان خود دارند. با نگاهی به تحقیقات انجام‌شده، می‌توان بیان کرد که بررسی عمیق و توجه به نگرش نوجوانان و جوانان مصرف کننده مواد با تأکید بر کنترل و

۱۳۲

132

۱- Vols. 17, No. 70, Winter 2024  
۲- ملکه، آرام، ۱۳۹۸  
۳- ملوندا، ۲۰۱۲  
۴- Risi, Gerhard & Kistner  
5- Onishi, Kawabata, Kurokawa & Yoshida  
6- Luk, Farhat, Jannotti & Simons-Morton

1. Risi, Gerhard & Kistner  
2. Onishi, Kawabata, Kurokawa & Yoshida

3. Mlunde  
4. Luk, Farhat, Jannotti & Simons-Morton

نظرارت والدینی و رابطه والد-فرزنده موضوعی است که همزمان به آن پرداخته نشده است. هر چند در بحث روابط والد-کودکی و نظرارت والدین تا حدودی با رویکردهای کمی، تحقیقاتی صورت گرفته و همچنین تعدادی تحقیقات کیفی در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر اعتیاد مورد پژوهش قرار گرفته‌اند؛ با این حال به نظر می‌رسد، مؤلفه نظرارت والدین و رابطه والد-فرزنده در نگرش مصرف کنندگان و تأثیر آن، مورد پژوهش کیفی قرار نگرفته است تا زوایای پنهان آن کشف و مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین به منظور آشکارسازی زوایای پنهان و عمیق نگرش مصرف کنندگان مواد مخدر، نیاز به انجام مطالعه کیفی با رویکرد پدیدارشناسانه احساس می‌شود تا بدین وسیله بتوان زیربنای لازم برای انجام مداخلات پیشگیرانه را فراهم ساخت. بر همین اساس مطالعه حاضر با هدف پاسخ به این سؤالات از جوانان انجام گرفته است که عوامل زمینه‌ساز اعتیاد در خانواده با تأکید بر نظرارت والدین خود و نحوه تعامل رابطه والد-فرزنده را بر نگرش خود چگونه تفسیر می‌کند.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی<sup>1</sup> بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال مصرف کننده مواد در شهرستان نی ریز بودند. ۱۵ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و با بیشترین تنوع انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته بود و تا رسیدن به غنای لازم و اشباع اطلاعاتی ادامه یافت. پس از انجام ۱۵ مصاحبه اطلاعات جدیدی حاصل نشد و تکرار داده‌های قبلی بودند. ملاک‌های ورود برای شرکت کنندگان شامل اعتیاد به یکی از مواد مخدر حداقل طی یک سال گذشته، توانایی جسمانی و روحی برای همکاری در پژوهش، جنسیت مرد و دامنه سنی بین ۱۸ تا ۳۵ سال بود. معیارهای خروج شامل عدم تمايل افراد جهت ادامه همکاری در مطالعه بود. جهت رعایت اصول اخلاقی، ضمن اخذ رضایت شفاهی از افراد جهت شرکت در مطالعه، به مشارکت کنندگان اطمینان داده شد که شرکت در مطالعه و ضبط مصاحبه‌ها

1. phenomenological

به صورت اختیاری است. همچنین، اطلاعات آن‌ها به صورت محرمانه نزد پژوهشگر خواهد ماند و افراد در هر مرحله از پژوهش حق کناره‌گیری از مطالعه را خواهند داشت. در این پژوهش از روش کنترل اعضا جهت اعتباریابی پژوهش استفاده شد. در این روش با ارائه مجدد یافته‌ها به خود مشارکت کنندگان، از آنها جهت سنجش صحت و اطمینان‌پذیری داده‌ها اظهارنظر می‌شود. درنهایت، داده‌های گردآوری شده در فرایند مصاحبه‌ها نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> تحلیل شد. پرسش‌یا مسئله اصلی این پژوهش این است که افرادی که تجربه اعتیاد را داشته‌اند، عوامل زمینه‌ساز اعتیاد در خانواده را چگونه تفسیر می‌کنند؟ این مسئله در قالب سه پرسش زیر در مصاحبه‌ها مطرح شده است:

- ۱- تجربه ارتباط با والدین تان از کودکی تا به امروز را چگونه تفسیر می‌کنید؟
- ۲- تفسیر شما از نظرات پدر و مادر بر عملکرد و فعالیت‌هایتان از کودکی تا به امروز چیست؟

۳- عوامل زمینه‌ساز نگرش مثبت به اعتیاد در خانواده‌تان را چه می‌دانید و چگونه

توضیح می‌دهید؟

#### یافته‌ها

۱۳۴

134

۱- Vol. ۱۷, No. ۷۰, Winter 2024  
۲- DOI: 10.6118/etiadpajohi.17.70.129 ]

جدول ۱: مشخصات جمعیت‌شناختی افراد مصاحبه‌شونده

شماره فرد مصاحبه‌شونده	سن	جنسیت	شماره فرد مصاحبه‌شونده	سن	جنسیت
۱ مصاحبه‌شونده شماره	۲۶	مرد	۹ مصاحبه‌شونده شماره	۲۶	مرد
۲ مصاحبه‌شونده شماره	۲۲	مرد	۱۰ مصاحبه‌شونده شماره	۲۰	مرد
۳ مصاحبه‌شونده شماره	۲۴	مرد	۱۱ مصاحبه‌شونده شماره	۲۸	مرد
۴ مصاحبه‌شونده شماره	۲۴	مرد	۱۲ مصاحبه‌شونده شماره	۳۰	مرد
۵ مصاحبه‌شونده شماره	۱۸	مرد	۱۳ مصاحبه‌شونده شماره	۳۰	مرد
۶ مصاحبه‌شونده شماره	۲۷	مرد	۱۴ مصاحبه‌شونده شماره	۳۵	مرد
۷ مصاحبه‌شونده شماره	۲۸	مرد	۱۵ مصاحبه‌شونده شماره	۲۶	مرد
۸ مصاحبه‌شونده شماره	۱۸	مرد			

پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق ابزار مصاحبه، در مرحله اول متن همه مصاحبه‌ها به صورت خط به خط تحلیل و کدگذاری شد. پس از ادغام کدهای تکراری در چند مرحله، عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به مصرف مواد مخدر در ۹ زیرطبقه و ۴ طبقه تحت عنوان تعاملات نامناسب والد-فرزندی، عدم نظارت کافی، تعارضات زناشویی والدین و ادراکات سوق‌دهنده به سمت مواد و یک مقوله هسته‌ای الگوی ناکارآمد خانوادگی طبقه‌بندی شد. نتایج حاصل از فرایند تحلیل و کدگذاری داده‌ها یعنی استخراج عبارت‌ها از مصاحبه‌ها، کدگذاری باز (شناسایی مضامین اولیه) و کدگذاری محوری (دسته‌بندی مضامین اولیه و ایجاد توصیفات جامع) در جدول ۲ آرائه شده است.

جدول ۲: مضامین استخراج شده از محتوای مصاحبه با نمونه مورد پژوهش

مفاهیم اولیه	مفهوم اude	مفهوم محوری
سبک نامناسب فرزندپروری	خشونت والدین	محبت ناکافی
تعاملات نامطلوب والد-فرزندی	عدم نظارت کافی	نبوت توجه و نظارت
الگوی ناکارآمد	اختلافات زناشویی والدین	اختلافات والدین
خانوادگی	ادراکات سوق‌دهنده به مصرف مواد	اعتماد به نفس کاذب
	بزرگ و برجسته شدن با مصرف مواد	صرف مواد به عنوان پرکننده خلاطه
	صرف مواد به عنوان عامل پیشرفت	صرف مواد به عنوان پر کننده خلاطه

در ادامه، مفاهیم طبقات مختلف بررسی و تشریح می‌شود.

### ۱. تعاملات نامطلوب والد-فرزندی

این مقوله شامل مفاهیم سبک نامناسب فرزندپروری، خشونت والدین و محبت ناکافی است. نقش تعاملات و مناسبات خانوادگی در آینده فرد بسیار تعیین‌کننده است؛ شیوه‌های ارتباطی و تربیتی خانواده می‌تواند در درک و فهم الگوهای ارتباطی یک فرد مؤثر باشد؛ چراکه الگوهای متفاوت تربیتی، شخصیت‌های متفاوت را در آینده شکل می‌دهد. پس از تحلیل و کدگذاری صحبت‌های مشارکت کنندگان، الگوهای ارتباط و تعاملات خانوادگی به عنوان یکی از مقولات عده استخراج گردید. بیش از ۷۵ درصد مصاحبه‌شوندگان از

سبک تربیتی والدین خود ناراضی بودند. تعدادی از این افراد به آسان‌گیری از سوی والدین و مدارای پایینه آنها در بیشتر امور اشاره داشتند و تصریح کردند که والدین شان برخورد مناسب و جدی در مورد مسائل آنها نداشتند. در مقابل، تعدادی دیگر، سخت‌گیری بیش از حد والدین را زمینه‌ساز گرایش شان به مصرف مواد دانسته‌اند.

- در بررسی تحلیل داده‌ها در مفهوم «سبک نامناسب فرزندپروری»، مشارکت کنندگان نوع تعامل خود با والدین را در دو مفهوم جزئی تر والد سهل‌گیر و والد سخت‌گیر تقسیم‌بندی کردند. والدین سهل‌گیر، نظارت و کنترل پایین‌تری نسبت به سایر والدین بر فعالیت‌های فرزندان‌شان اعمال می‌کنند. به عنوان نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۳ می‌گوید: «اینکه چرا معتقد شدم بخاطر این بود که کسی توی خونه جرأت نداشت چیزی بهم بگه و گزنه چنان داد و قالی راه می‌نداختم که بیا و بین. اگه چیزی می‌خواستم که مخالف نظرشون بود چنان قشقرقی بیا می‌کردم، شده بود آسمون رو به زمین می‌آوردم تا خواسته‌ام رو اجابت کنند. بیچاره‌ها چاره‌ای نداشتند، هر بار چیزی می‌خواستم می‌دونستم هرجور شده به دستش می‌ارم و آخرش حرفمو به کرسی می‌نشونم». بعضی از مصاحبه‌شوندگان نیز به مفهوم والد استبداد‌گر که به گرایش هرچه بیشتر آنها به سمت اعتیاد و دوستان ناباب کمک کرده است، اشاره داشته‌اند. این نوع والدین پر توقع بوده و توجهی به نیازهای فرزندان‌شان ندارند. برای نمونه، مصاحبه‌شونده شماره ۱ تجربه خود را این‌گونه بیان می‌کند: «توی خونه ما تصمیم‌گیرنده اصلی همه امور بابام بود. من هیچ وقت نتونستم با بابام کنار بیام؛ همیشه با داد و دعوا و کتک کاری می‌خواست مسائل خونه رو حل کنه. منم از رفتارهای عصبی می‌شدم و دلم می‌خواست فقط انتقام بگیرم، همین شد که به کارهایی که نباید، دست زدم».

- از مفاهیمی که تعداد دیگری از مشارکت کنندگان به آن اشاره داشتند، «خشونت والدین» است. خشونت عبارت است از رفتاری که با هدف آسیب رساندن به دیگری از فرد سر می‌زند و دامنه آن از توهین، تحقیر، ضرب و جرح، تجاوز، تخریب اموال و جان افراد را شامل می‌شود. براساس تحلیل مصاحبه‌ها، خشونت جسمی و پرخاشگری والدین از مواردی بود که مشارکت کنندگان به آن اشاره داشتند. ایشان، خشونت و پرخاشگری را

به عنوان یک روش حل مسئله از سوی والدین خود آموخته و در زندگی خود نیز به کار می‌گیرند. مصاحبه‌شونده شماره ۷ از مشارکت کنندگانی است که تجربه خود را چنین بیان می‌کند: «بابام هم خیلی بداخلالق بود و هم کتکم می‌زد. این وقت‌ها من از ناراحتی پناه می‌بردم به پسرعمه‌ام که اون هم موادفروش بود. بابام دائم باهایم دعوا می‌کرد، به خواسته‌هام اصلاً اهمیت نمی‌داد و اعتیاد من هم برآشون (خانواده) اهمیتی نداشت».

- مفهوم «محبت ناکافی» اشاره به دریافت فرزندان از کمبود محبت و نبود احساس آرامش و امنیت از سوی والدین در دوران کودکی دارد که تأثیرات آن در آینده آنها مشخص می‌شود. در این پژوهش نیز تقریباً نیمی از مشارکت کنندگان، احساس کمبود صمیمیت و محبت در محیط خانوادگی خود را به انحصار مختلف احساس و گزارش کرده‌اند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ نظر خود را به این صورت بیان می‌کند: «والدین کشاورز بودند و من بچه آخرشان. کنکور رشته مکانیک که خیلی هم بهش علاقه داشتم توی یک شهر دور قبول شدم اما بابام که مادیات برآش خیلی مهم بود اجازه نداد برم. می‌گفت همین جا بمون و توی کارهای کشاورزی به ما کمک کن. اینجا بود که یک دفعه احساس کردم اهمیتی برای خانواده‌ام ندارم و کم کم ازشون دور شدم و دوستانم جای خانواده را برای من پر کردنده».

## ۲. عدم نظارت کافی

نظارت مناسب والدین بر فعالیت‌های کودکان و نوجوانان باعث پیشگیری از مصرف مواد یا تأخیر در شروع مصرف در سنین جوانی می‌گردد. ارتباط و دلبستگی قوی والدین با فرزندان مانع مصرف مواد در میان نوجوانان می‌شود. همچنین نظارت و رسیدگی مناسب به رفتار فرزندان، در کاهش بزهکاری آنان مؤثر است. مصاحبه‌شونده شماره ۲ از مشارکت کنندگانی که به دلیل فضای پرتنش خانواده، تصمیم به ترک خانه داشته است، تجربه خود را چنین بیان می‌کند: «بودن و موندن توی محیط پردعوای خونه‌مون منو اذیت می‌کرد؛ این شد که از خونه رفتم اما آگه والدینم دنبالم می‌اومندند که بیینند کجا هستم و چیکار می‌کنم؛ اصلاً معتاد نمی‌شدم». مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ که زندگی در روستا او را خسته کرده و به شهر مهاجرت کرده بود، تجربه خود را این‌گونه اظهار داشت: «به شهر که

او مسلم یه اتاق اجاره کردم، روزها برای کار می‌رفتم مکانیکی. بعضی وقت‌ها ماشین رانده‌ها خراب می‌شد و شب رو می‌موندن اتاق من و اونجا موادشون رو مصرف می‌کردند. اینجوری شد که من با مواد آشنا شدم، اما آگه والدینم بالا سرم بودند شاید این سرنوشتمن نمی‌شد». غالب مشارکت کنندگان، پس از فاصله گرفتن از خانواده (جهت تحصیل، کار یا خدمت سربازی) به سمت مصرف مواد سوق داده شده بودند و دوری و عدم نظرات والدین موجب تشدید این موضوع شده است.

### ۳. اختلافات زناشویی والدین

یکی دیگر از مقولات عمدۀ‌ای که از این پژوهش حاصل آمده، اختلافات زناشویی والدین (اختلاف و تعارض والدین در بستر خانواده) است. اختلافات بین والدین بیانگر شرایطی است که فرزند خود را منفعل دیده و صرفاً یک ناظر بیرونی تصور می‌کند که به تماشای چالش‌ها و تعارض‌های والدینش نشسته و متأثر از این امر، بی‌آنکه بخواهد در گیر احساساتی چون غم و ناراحتی می‌شود. نتیجه بروز اختلافات والدین در ابتدای دوران کودکی و نوجوانی مشارکت کنندگان را می‌توان در آشکال مختلف چالش‌های زودهنگام و زودرس و البته آزاده‌نده برای آنان ملاحظه کرد؛ چالش‌هایی که با توجه به نشانه‌گیری احساسات مشارکت کنندگان تأثیر عمیقی بر ذهنیت و هویت آنها گذاشته و روان آنها را به مترله موجودی اندوهاک، پذیرای اموری پر خطر در آینده می‌نماید. مصاحبه‌شونده شماره ۵ یکی از این مشارکت کنندگانی است که اختلافات بین والدینش، نه تنها آرامش روان وی را تحت تأثیر قرار داده، بلکه او را مجبور به ترک خانه و سوق دادن به مصرف مواد کرده‌اند. او بیان می‌دارد: «بین والدینم دائمًا دعوا بود، من قاطی دعواشون نمی‌شدم، ولی اجباراً چون محیط خونه را دوست نداشتم از خونه مون زدم بیرون».

### ۴. ادراکات سوق‌دهنده به مصرف مواد

یکی دیگر از مقولات عمدۀ استخراج شده در این پژوهش «ادراکات سوق‌دهنده به مصرف مواد» است. این مقوله اشاره به این دارد که گاهی افراد با انگیزه‌های غیرمنطقی مواد را مصرف کرده و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که این باور غیرمنطقی آنها صحیح است. چنین باورهایی، تأیید کننده مصرف مواد است؛ چراکه یک رفتار نابهنجار را به رفتار هنجار

تبديل می‌کند. این مقوله عمدۀ مشتمل بر مفاهیم «اعتمادبهنفس کاذب»، «صرف مواد بهعنوان عامل پیشرفت»، «بزرگ و برجسته شدن با صرف مواد» و «صرف مواد بهعنوان پرکننده خلاً عاطفی» است.

- از جمله خصوصیات برجسته هر انسانی، اعتمادبهنفس است. گاهی افراد درگیر اعتمادبهنفس کاذب زیادی می‌شوند که منجر به غرورشان شده و این امر می‌تواند سبب انحراف مسیر اهداف شان گردد. تحلیل صحبت‌های مشارکت کنندگان بیانگر این تصور است که آنها معتقدند که مواد مخدر بهعنوان یک وسیله سرگرمی جهت کسب لذت است و باور دارند صرف تفني مواد، اعتیادی برای آنها ایجاد نمی‌کند. همچنین در صورت اعتیاد، با تکیه بر نیروی جوانی توان غلبه بر آن را دارند. مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ تجربه خود را این‌گونه بیان می‌کند: «من تصورم این بود چون وزرشکارم، معناد نمی‌شم، هر وقتی هم اراده کنم، راحت ترک می‌کنم». براساس یافته‌های تحقیقات، مغز انسان نقش تعیین کننده‌ای در اعتیاد دارد. صرف مواد، محرك لذت در مغز است؛ گاهی فقط یکبار لذت صرف مواد منجر به تمایل فرد به ادامه صرف می‌شود.

- مفهوم «صرف مواد بهعنوان عامل پیشرفت» که تعدادی از مصاحبه‌شوندگان آن را بهعنوان توجیه منطقی جهت ادامه صرف دانسته‌اند از این امر ناشی می‌شود که گمان می‌کرند مواد مخدر، توان و انرژی بیشتری به ایشان داده و توانایی بالا و مداومی در کار کردن به آنها ارزانی می‌کند؛ غافل از اینکه صرف مواد مخدر صرفاً در آغاز این فرایند که سیستم زیست‌شناختی بدن هنوز به آن عادت نداشته، می‌تواند قدرت و توان جسمی شان را افزایش دهد؛ اما بعد از مدت کوتاهی، این قدرت و توان را به صورت مضاعف کاهش می‌دهد. این نکته در صحبت‌های تعدادی از مشارکت کنندگان آشکارا بیان شده است. مصاحبه‌شونده شماره ۲ می‌گوید: «ولین بار که صرف کردم، ۲۶ ساعت رونخوابیدم و همه این ۲۶ ساعت رانندگی کردم، اولش زور مواد بود. بخاطر همین برای بیشتر شدن قدرت و توان کاریم مواد رو صرف کردم اما بعداً دیگه برام جواب نمی‌داد».

- تعدادی از مشارکت کنندگان به مفهوم «بزرگ و برجسته شدن با صرف مواد» اشاره داشتند. این افراد تصور می‌کردند صرف مواد برایشان بزرگی و شخصیت و برجستگی به

ارمغان می‌آورد؛ اما خود ایشان بعد از سال‌ها مصرف به این نتیجه رسیدند که مواد، هر آنچه داشتند، از جمله شخصیت‌شان را، از آنها گرفته است. این نکته در تجارب بسیاری از آنها به وضوح بیان شده است. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره ۹ می‌گوید: «توی یه محله زندگی می‌کردیم که مصرف کننده زیاد داشت. منم اوون زمان فقط ۹ سالم بود. همیشه فکر می‌کردم کسایی که مواد مصرف می‌کنند قوی هستند، همه‌ش به خودم می‌گفتم بیین پسرعمه که مواد فروشه چه اسم و رسمی زده؟!».

- «صرف مواد به عنوان پرکننده خلا عاطفی» مفهوم دیگری است که مشارکت کنندگان در ضمن اشاره به آن، تصریح می‌کردند که مصرف مواد برای آنها جایگزین نیازهای برآورده نشده عاطفی‌شان در نتیجه تعارضات خانوادگی بوده است. مصاحبه‌شونده شماره ۸ تجربه خود از مصرف مواد را این‌گونه شرح داد: «ولین بار که مواد مصرف کردم هرجی خلاهای عاطفی داشتم خصوصاً اونهایی رو که مربوط به نبود پدر حمایت گر بود برام پر کرد؛ خدایی خیلی بهم حال داد».

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف کشف بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش جوانان نسبت به مصرف مواد مخدر انجام گرفت و چهار مقوله عمدۀ تعاملات نامناسب والد-فرزندي، عدم نظارت کافی، تعارضات زناشویی والدین و ادراکات سوق‌دهنده به سمت مواد استخراج شد. در تحقیقات مختلف، همواره از خانواده به عنوان عامل تعیین‌کننده در پیشگیری از گرایش به سمت مواد مخدر و یا ایجاد این گرایش در فرزندان، یاد کرده‌اند (فولادی، ۱۳۹۵؛ مقدم و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۶؛ پیکو و کوواس، ۲۰۱۰). داده‌های مربوط به تحقیقات دیگر نیز بیانگر این است که ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها، باورها، احساسات و عواطف، دلبلستگی‌ها، سبک زندگی، روابط اجتماعی و رفتارهای شکل گرفته در فرایند رشد فرد، در وابستگی و ایجاد گرایش به مواد مخدر تأثیری اساسی دارند (استون، بکر، هوبر و کاتالانو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲؛ میرزایی‌علویجه، نصیرزاده، اسلامی، شریفی‌راد و حسن‌زاده، ۱۳۹۲).

۱۴۰

140

۱- Vol. ۱۷, No. ۷۰, Winter 2024  
[Downloaded from etiadpajohi.ir on 2025-08-30]

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر مرتبط با خانواده، الگوی روابط والد-فرزنده است. الگوی ارتباط و تعامل والد-فرزنده را می‌توان از عوامل مؤثر بر نحوه مواجهه مشارکت کنندگان با خطرات و مسائل معرفی کرد. می‌توان تبیین کرد در خانواده‌هایی که والدین تعامل ارتباطی مناسبی با فرزندان خود داشته و محبت متعادلی را به آنها عرضه می‌دارند، در آینده، احتمال سوق فرزندان به مصرف مواد بسیار کم است؛ چراکه تعامل مثبت و مناسب والدین با فرزندان، احساس اعتماد و حمایت را در آنها بیشتر می‌کند؛ همچنین روابط عاطفی با والدین شان را بهبود بخشیده و موجب افزایش مهارت‌های آنان به خصوص در بحث جرأت‌مندی و سوق به سمت انحرافات می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر با اشاره به اهمیت نقش سازنده خانواده و شیوه برخورد و تعامل والدین با فرزندان در کاهش سوق به اعتیاد، با یافته‌های تحقیقات حسین‌خانزاده، طاهر، سیدنوری، یحیی‌زاده و عیسی‌پور (۱۳۹۲)، سلیمی، گوهری، کرمانشاهی و جاودان (۱۳۹۴) بهرامی احسان، میری و عزیزی (۱۳۹۴) و لاک و همکاران (۲۰۱۰) مطابقت دارد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های تحقیقات صدری دمیرچی و همکاران (۱۳۹۷)، لاک و همکاران (۲۰۱۰)، هاراکه، شولت، ورمولت، دوریس و انگلز<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) و بولبول و اداس<sup>۲</sup>

(۲۰۱۸) در زمینه نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی اختلال مصرف مواد، هم راستا بود. بر این اساس می‌توان تبیین کرد فرزندان در خانواده‌هایی که اعضاً ایش تعامل بسیار کمی با یکدیگر دارند و یا خود را زیاد در گیر تعاملات نمی‌کنند، به جای تأثیر از خانواده، تحت تأثیر بستر اجتماعی بیرون از خانه قرار می‌گیرند و احتمال بیشتری دارد به استفاده از مواد گرایش پیدا کنند.

موضوع دیگر مرتبط با تعاملات والد-فرزنده، مسئله نیاز به تعلق و تأیید و پذیرفته شدن نوجوانان و جوانان در گروه دوستان و همسالان است. نیاز به تعلق داشتن، از جمله نیازهای مهم به خصوص در این دوران است که برخی از افراد برای ارضای این نیاز، به آسانی با گروه در دسترس و موردنظرشان همنوایی کرده، هنجارهای گروه را پذیرفته و

1. Harakeh, Scholte, Vermulst, Devries & Engels

2. Bülbül & Odaci

از عقاید اعضای گروه تقليید می‌کنند و پيوستان به گروه‌هایي که مواد مصرف می‌کنند، بسیار آسان است. هرچه پيوند عاطفی فرد با خانواده، مدرسه و اجتماعات سالم کمتر باشد، احتمال پيوند او با گروه‌های بزهکار بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر جوانان به منظور کسب استقلال و نیاز به تعلق، به این گروه‌ها می‌پيوندند. تحقیقات نیز نشان می‌دهند عامل زمینه‌ساز قوی اعتیاد و مصرف مواد، ارتباط دوستی با همسالان مصرف‌کننده مواد مخدر است و معمولاً اولین مصرف مواد به دنبال تعارف دوستان رخ می‌دهد.

نظرات والدین یکی دیگر از عوامل مهم مرتبط با بستر خانواده است که بر چگونگی نگرش و رفتار نوجوانان و جوانان تأثیر بسیاری می‌گذارد. پژوهش حاضر نشان داد که نظرات ناکافی والدین، نقش مؤثری در نگرش مثبت نسبت به اعتیاد در نوجوانان و جوانان داشته است که با نتایج پژوهش رضایی و اسلامی و مهدی پورخراسانی (۱۳۹۳)، همسو است. نتایج پژوهش آنها حاکی از این است که بین عواملی چون تعارضات والدین، میزان کنترل گری والدین، شیوه گذران اوقات فراغت، میزان دسترسی به مواد و رابطه با دوستان معتمد از یک طرف و گرایش به اعتیاد از طرف دیگر رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که خانواده مهم ترین نقش را در گرایش به اعتیاد در افراد داراست. همچنین، در پژوهش حاضر مشارکت کنندگان، عدم کنترل معقول از سوی والدین و غفلت آنها را امری مؤثر در اعتیاد خود می‌دانستند. همسو با این یافته، نتایج تحقیق چمنی و سجادیان (۱۳۹۸) نیز بیانگر این است که عواملی چون اضطراب، غفلت والدین، مشکلات رابطه‌ای با همسالان، قدری، خطاهاي شناختی و نشخوار فکري بر گرایش نوجوانان و جوانان به سوی اعتیاد مؤثر است. در مواردی که والدین از نظرات فرزندشان غفلت نموده و یا زمانی که برخورد مناسبی با نحوه رفتار فرزندشان ندارند، طبیعی است که در موقعیت‌های دیگر، فرزندشان مواردی را از آنها پنهان کنند و مانع از آگاهی والدین‌شان شوند. این مسئله و همچنین نآگاهی والدین از نحوه نظرات صحیح بر رفتار فرزندان، احتمال خطا رفتن آنها بهخصوص در زمینه مصرف مواد در سنین جوانی را رقم خواهد زد.

اختلافات زناشویی میان والدین نیز موردی است که مشارکت کنندگان این پژوهش به عنوان عاملی در گرایش آنها به مصرف مواد مخدر اشاره کرده‌اند. اختلافات و تعارضات بین اعضای خانواده خصوصاً والدین بر سیستم شناختی، الگوپذیری فرد و نیز کنش متقابل او در آینده تأثیر دارد؛ همان‌طور که کلانتری، قنبری، حبیبی و علیزاده (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین تعارضات والدین و گرایش به مصرف مواد با نقش میانجی مشکلات هیجانی-رفتاری رابطه وجود دارد. اسچفر<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) نیز در پژوهش کیفی، کارکرد ناسالم خانواده و نقش عملکردی خانواده را علل اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان معرفی می‌کند. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش خادمی احمدآباد و شریفی (۱۳۹۸) بیانگر رابطه‌ای منفی بین اتمسفر عاطفی خانواده و گرایش به مصرف مواد است؛ به این معنا که، جوّ مثبت خانواده می‌تواند به عنوان مانعی در نگرش نوجوانان به مصرف مواد مخدر نقش ایفا کند. نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان می‌دهد که محبت ناکافی و تعارضات و اختلاف بین والدین، منجر به احساس خلاً و کمبود محبت در ذهنیت مصاحبه‌شوندگان شده است. این احساس خلاً عاطفی برای بسیاری از مشارکت کنندگان، زمینه‌ساز گوشه‌گیری و ایجاد حساسیت، و در عده‌ای دیگر منجر به ایجاد رابطه افراطی پیوندجویی با دوستان و دیگر گروه‌ها برای پر کردن این خلاً و درنهایت گرایش به سمت مواد و مصرف آن در چنین بسترهايی بوده است. مطالعات مک و ایکاوو<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) نیز به اهمیت جنبه‌های روابط والدین مانند گرمی و عاطفه رابطه و سبک روابط با فرزندان تأکید می‌کند.

یکی دیگر از مقولات این پژوهش ادراکات سوق‌دهنده به مصرف مواد به عنوان یکی از بسترها و شرایط مداخله‌گر و تأثیرگذار در گرایش به مصرف مواد است که شامل مقوله‌های اعتماد به نفس کاذب، مصرف مواد به عنوان عامل پیشرفت، بزرگ و برجسته شدن با مصرف مواد و مصرف مواد به عنوان پر کننده خلاً عاطفی است. این مقوله، علاوه بر اشاره به تأثیرات این ادراکات بر ذهنیت و گرایش فرد به مصرف مواد، بیانگر کمبود آگاهی مشارکت کنندگان از پدیده اعتیاد و همچنین ضعف مهارت‌های اجتماعی آنها در

برخورد با مشکلات است؛ به نحوی که برای تعدادی از مشارکت کنندگان، عدم ادراک خطر مصرف مواد، عامل مصرف مواد مخدر بوده است. چنین توجیهاتی نشان از کمبود یا فقدان مهارت حل مسئله در مشارکت کنندگان و آسیب‌پذیری ایشان در این زمینه است که با نتایج تحقیق خواجه دولت آباد و بوستانی (۱۳۹۳) همخوانی دارد. مسئله ادراکات فرد را می‌توان براساس نظریه کنترل اجتماعی الیوت (۱۹۸۹) نیز تبیین کرد. گاهی علت عدم تعهد افراد به قوانین اجتماعی و گرایش به سوی انحرافات اجتماعی مانند مصرف مواد مخدر، به دلیل وجود تفاوت زیاد بین سطح آرزوهای فرد و نبود شرایط کافی برای تحقق آنهاست. به این معنا زمانی که شرایط کافی جهت تحقق آرزوها و خواسته‌های فرد وجود نداشته باشد، موجب نارضایتی او خواهد شد و فرد در صدد شناسایی مسیرهای دیگری برای کسب اهداف و آرزوهایش است که ممکن است ناموفق باشد و احتمالاً فرد از طریق گرفتار ساختن خود در مسیرهایی مانند مصرف مواد مخدر تا حدی تنفس حاصل از ناکامی خود را تسکین می‌بخشد. نوجوانان و جوانانی که شرایط این چنینی را در محیط خانه تجربه می‌کنند و همچنین تحت فشار شدیدی در خانواده باشند، دلبستگی شان به محیط خانواده کمتر شده و به مرور به همراهی و همتوایی با همسالان گرایش پیدا می‌کنند؛ همسالانی که خود ممکن است مصرف کننده مواد مخدر باشند و بدین صورت در فرد گرایش به مصرف مواد را ترغیب کرده و احتمال مصرف آن را افزایش دهنده (محمدخانی، ۱۳۸۵).

در پایان می‌توان نتیجه گرفت روابط والد-فرزندی و نظارت والدینی یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده نگرش جوانان به مواد مخدر است. برنامه‌ریزی، آموزش و آگاه‌سازی والدین، می‌تواند بر کاهش نگرش مثبت فرزندان به مصرف مواد تأثیر بگذارد. بنابراین می‌توان با آگاه‌سازی والدین در مورد نقش مهم آنها در نظارت صحیح و رابطه تعاملی مثبت بین خود و فرزندشان و آموزش روش صحیح کنترل و ارتباط با فرزندان، در کاهش نگرش مثبت جوانان به مصرف مواد تأثیر گذاشت. مسلماً این امر، گامی مهم در مسیر کاهش رفتارهای پر خطر و راههای انحرافی ابراز وجود خود، مانند مصرف مواد مخدر، است. همچنین، پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به موارد جامع‌تری مانند کیفیت روابط

خانوادگی و حمایت اجتماعی در دو گروه زنان و مردان پردازند و نتایج آنها در سیاست‌گذاری‌های روش‌های تربیتی لحاظ گردند. همچنین می‌توان این پژوهش را از نگاه والدینی که فرزندان نوجوان و جوان آنان در گیر اعتیاد شده‌اند نیز بررسی کرد که کاستی‌های تربیتی و یا نحوه مراودات ایشان نیز کشف شود تا در تدوین راهکارهای پیشگیری و درمان مورد استفاده قرار گیرد.

### منابع

- بهرامی احسان، هادی؛ میری، میرنادر و عزیزی، کوروش (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های والدگری ادارک شده مادر و رفتارهای پرخطر. *مجله علوم روان‌شناسی*، ۱۴(۵۵)، ۳۷۲-۳۵۸.
- پردل، هادی (۱۳۹۴). اثربخشی نظارت والدین بر میزان خطرپذیری نوجوانان. *دو فصلنامه آسیب‌شناسی مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱(۲)، ۳۳-۲۵.
- چمنی، نسرین و سجادیان، ایلاناز (۱۳۹۸). رابطه علی اضطراب، نشخوار فکری، غفلت، روابط با همسالان و قدری با آمادگی به اعتیاد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۳(۵۱)، ۲۲۹-۲۱۹.
- حسین خانزاده، عباسعلی؛ طاهر، محبوبه؛ سیدنوری، زهرا؛ یحیی‌زاده، آیدا و عیسی‌پور، مهدی (۱۳۹۲). رابطه شیوه تعامل والد-فرزنده با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۷(۲۸)، ۷۴-۵۹.
- خدمی احمدآباد، مجتبی و شریفی، نسترن (۱۳۹۸). رابطه تحصیلات والدین و جو عاطفی خانواده با گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان پسر دوره دبیرستان. *مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۲(۱۴۴-۱۳۶).
- خواجه دولت آباد، روح‌الله و بوسنی، داریوش (۱۳۹۳). بازشناسی تجارب زیسته خانوادگی و اثر گذاری آن بر مصرف مواد (مطالعه موردی؛ دانشجویان وابسته به مواد مخدر دانشگاه شهید باهنر کرمان). *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۸(۱)، ۱۸۶-۱۶۵.
- رضایی، احمد؛ اسلامی، بهروز و مهدی‌پور خراسانی، مليحه (۱۳۹۳). نقش خانواده در گرایش جوانان به اعتیاد در شهرستان ورامین. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان*، ۱۵(۵)، ۵۰-۲۷.
- سلیمی، هادی؛ گوهری، شیوا؛ کرمانشاهی، فاطمه و جاودان، موسی (۱۳۹۴). پیش‌بینی گرایش به اعتیاد براساس مدل فرایند و محتوای خانواده در دانش‌آموزان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۹(۳۴)، ۶۶-۵۳.

- صدری دمیرچی، اسماعیل؛ رئیس قره درویشلو، سجاد و رحیمی زرج آباد، نقی (۱۳۹۷). نقش الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد در جوانان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۲(۴۴)، ۱۳۰-۱۱۳.
- فتحی، آیت‌الله و موسوی‌فر، بابک (۱۳۹۵). بررسی تجربیات معتادین در خصوص حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی به عنوان عوامل تسهیل‌کننده ترک اعتیاد؛ یک مطالعه کیفی. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۰(۳۸)، ۱۳۶-۱۱۹.
- فولادی، اصغر (۱۳۹۵). بررسی علل اعتیاد در استان آذربایجان شرقی - شهر تبریز. *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۳(۱)، ۷۴-۵۵.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۶). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات ارسپاران.
- کلانتری، فاطمه؛ قبری، سعید؛ حبیبی، مجتبی و علی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۸). ارائه مدل گرایش به مصرف مواد بر اساس ادراک تعارض بین والدین و نقش میانجی مشکلات هیجانی-رفاری. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۳(۵۲)، ۳۱۰-۲۹۳.
- محمدخانی، شهرام (۱۳۸۵). مدل ساختاری مصرف مواد در نوجوانان در معرض خطر: ارزیابی اثر آموزش مهارت‌های زندگی بر عوامل میانجی مصرف مواد. *پایان‌نامه دکتری*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مقدم، لیلا و اسماعیل‌پور، خلیل (۱۳۹۶). مقایسه توانمندی خانواده در افراد دارای عود مجدد و افراد تداوم‌دهنده درمان نگهدارنده. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۱(۴۴)، ۹۰-۷۵.
- میثمی، علی‌پاشا؛ فرامرزی، بیژن و هلاکوبی‌نایینی، کوروش (۱۳۸۵). معتادان در خصوص اعتیاد و مشکلات جامعه چگونه می‌اندیشند؟. *مجله دانشکده پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران*، ۱۵(۵)، ۴۳-۳۴.
- میرزایی علويجه، مهدی؛ نصیرزاده، مصطفی؛ اسلامی، احمدعلی؛ شريفی‌راد، غلام‌رضا و حسن‌زاده، اکبر (۱۳۹۲). تأثیر عملکرد خانواده در وابستگی جوانان به مواد مخدر صنعتی. *فصلنامه علمی-پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، ۱(۲)، ۳۰-۱۹.

## References

- Athamneh, L. N., Stein, J. S., Quisenberry, A. J., Pope, D., & Bickel, W. K. (2017). The association between parental history and delay discounting among individuals in recovery from addiction. *Drug and Alcohol Dependence*, 179, 153-158.
- Bülbül, K., & Odacı, H. (2018). Comparing high school adolescents' substance abuse tendencies in terms of personal, social and academic variables. *Addicta: The Turkish Journal on Addictions*, 5, 691-719.

- Davison, G. C., & Neal, J. M. (2001). *Abnormal Psychology*. New York: John Wiley and Sons Inc.
- Di Pietro, M. C. (2007). Factors associated with the use of solvents and cannabis by medical students. *Addictive Behaviors*, 32(8), 1740-1744.
- DiClemente, R. J., Wingood, G. M., Crosby, R., Sionean, C., Cobb, B. K., Harrington, K., & Oh, M. K. (2001). Parental monitoring: Association with adolescents' risk behaviors. *Pediatrics*, 107(6), 1363-1368.
- Fallu, J. S., Janosz, M., Brière, F. N., Descheneaux, A., Vitaro, F., & Tremblay, R. E. (2010). Preventing disruptive boys from becoming heavy substance users during adolescence: A longitudinal study of familial and peer-related protective factors. *Addictive Behaviors*, 35(12), 1074-1082.
- Harakeh, Z., Scholte, R. H. J., Vermulst, A. A., Devries, H., & Engels, R. C. M. E. (2010). The relations between parents' smoking, general parenting, parental smoking communication, and adolescents' smoking. *Journal of Research on Adolescence*, 20(1), 140-165.
- Keogh-Clark, F., Whaley, R. C., Leventhal, A. M., & Krueger, E. A. (2021). Sex differences in the association between parental monitoring and substance use initiation among adolescents. *Addictive Behaviors*, 122(107024), 1-15.
- Kuther, T. L. (2002). Rational decision perspectives on alcohol consumption by youth: Revising the theory of planned behavior. *Journal of Addictive Behavior*, 27, 35-37.
- Larm, P., Livingston, M., Svensson, J., Leifman, H., & Raninen, J. (2018). The increased trend of non-drinking in adolescence: The role of parental monitoring and attitudes toward offspring drinking. *Drug and Alcohol Review*, 37, 34-41.
- Luk, J. W., Farhat, T., Lannotti, R. J., & Simons-Morton, B. G. (2010). Parent child communication and substance use among adolescents: Do father and mother communication play a different role sons and daughters? *Addictive Behavior*, 35, 210-217.
- Mak, H. W., & Iacovou, M. (2019). Dimensions of the parent-child relationship: Effects on substance use in adolescence and adulthood. *Substance use & misuse*, 54(5), 724-736.
- Mlunde, L. B., Poudel, K. C., Sunguya, B. F., Mbwambo, J. K., Yasuoka, J., Otsuka, K., & Jimba, M. (2012). A call for parental monitoring to improve condom use among secondary school students in Dar es Salaam, Tanzania. *BMC Public Health*, 12(1), 1-11.
- Mustanski, B., Swann, G., Newcomb, M. E., & Prachand, N. (2017). Effects of parental monitoring and knowledge on substance use and HIV risk behaviors among young men who have sex with men: Results from three studies. *AIDS and Behavior*, 21, 2046-2058.
- Noël, X., Brevers, D., & Bechara, A. (2013). A neurocognitive approach to understanding the neurobiology of addiction. *Current Opinion in Neurobiology*, 23(4), 632-638.
- Odukoya, O. O., Sobande, O. O., Adeniran, A., & Adesokan, A. (2018). Parental monitoring and substance use among youths: A survey of high school adolescents in Lagos State, Nigeria. *Nigerian Journal of Clinical Practice*, 21(11), 1468-1475.

- Onishi, A., Kawabata, Y., Kurokawa, M., & Yoshida, T. (2012). A mediating model of relational aggression, narcissistic orientations, guilt feelings, and perceived classroom norms. *School Psychology International*, 33(4), 367-390.
- Paschall, M. J., Ringwalt, C. L., & Flewelling, R. L. (2003). Effects of parenting, father absence, and affiliation with delinquent peers on delinquent behavior among African-American male adolescents. *Adolescence*, 38(149), 15-34.
- Piko, B. F., & Kovács, E. (2010). Do parents and school matter? Protective factors for adolescent substance use. *Addictive Behaviors*, 35(1), 53-56.
- Risi, S., Gerhardstein, R., & Kistner, J. (2003). Children's Classroom Peer Relationships and Subsequent Educational Outcomes. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 32(3), 351-361.
- Romero, A. J., & Ruiz, M. (2007). Does familism lead to increased parental monitoring? Protective factors for coping with risky behaviors. *Journal of Child and Family Studies*, 16(2), 143-154.
- Schafer, G. (2013). Family functioning in families with alcohol and other drug addiction. *Social Policy Journal of New Zealand*, 37, 1-17.
- Stone, A. L., Becker, L. G., Huber, A. M., & Catalano, R. F. (2012). Review of risk and protective factors of substance use and problem use in emerging adulthood. *Addictive Behaviors*, 37(7), 747-775.
- World Health Organization (2015). *World Drugs Report*, Switzerland. Retrieved at:[https://www.unodc.org/wdr2017/field/WDR\\_2017\\_presentation\\_launch\\_version.pdf](https://www.unodc.org/wdr2017/field/WDR_2017_presentation_launch_version.pdf)

۱۴۸
-----